



مقایسه شهادت بانوان در دو نظام حقوقی ایران و مصر

معصومه مرادی^۱

ابراهیم یاقوتی^۲

زهرا فهرستی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۲۹

چکیده

شهادت شهود به عنوان یکی از مهم ترین دلایل اثبات دعوا در کنار سایر دلایل پذیرفته شده است. اما در میزان اعتبار و حجیت شهادت زنان نسبت به مردان تفاوت‌هایی وجود دارد. با توجه به این که در فقه امامیه و به تبعیت از آن در قوانین جمهوری اسلامی ایران در برخی موارد، شهادت زنان اصلاً پذیرفته نشده است و در موارد پذیرفته شده نیز از ارزش مساوی با شهادت مردان برخوردار نیست، که این موضوع شائبه تبعیض در برخی احکام اسلامی را میان زنان و مردان ایجاد نموده است. بنابراین با توجه به شبهات مطرح شده در موضوع شهادت زنان در این نوشتار در پی آن هستیم که با مقایسه احکام شهادت زنان در دو کشور اسلامی ایران و مصر با دین مشترک و مذهب متفاوت به بررسی اشتراکات و افتراقات این موضوع در حقوق موضوعه دو کشور بپردازیم. روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحلیلی-توصیفی است. نگارنده با مقایسه نظام حقوقی دو کشور و مقایسه جایگاه شهادت به طور عام و شهادت بانوان به طور خاص به این نتیجه می‌رسد که شهادت بانوان در کشور مصر که از فقه حنفی تبعیت می‌کند از ارزش بیشتری نسبت به شهادت زنان در کشور ایران که از فقه امامیه تبعیت می‌کند، دارد که با توجه به شرایط کنونی و با توجه به تغییر مقتضیات زمان، در کشور ما نیز شهادت زنان از حیث ارزش اثباتی می‌تواند در برخی امور هم پایه شهادت مردان قرار گیرد.

^۱ دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. moradisa@yahoo.com

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول): yaghouti2010@yahoo.com

^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (استاد مشاور): Fehrest41@yahoo.com

کلید واژه‌ها

شهادت، شهادت زنان، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی مصر.

مقدمه

شأن و موقعیت اجتماعی و وضعیت حقوقی و قانونی زن، امروزه مطالعات گسترده‌ای را از منظرهای مختلف به خود اختصاص داده است. آن چه مسلم است در دیانت اسلام، جایگاه فردی و اجتماعی زن و کرامت او نسبت به دوره‌ها و زمان‌های گذشته پیشرفت محسوسی نمود و این پیشرفت با مشاهده آیات قرآن کریم محرز و ملموس است. (احزاب: ۳۵) در آموزه‌های دینی اسلام، در نزد خدا زن و مرد بودن مطرح نیست و عمل هر شخص معرف اوست. (نحل: ۹۷) بر اساس این تفکر در بسیاری از موارد مجازات زن و مرد یکسان است (مائده: ۳۸/نور: ۲) با این حال در برخی شئون حیاتی، تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد، مانند مساله ارث (نساء: ۱۱) و دیه (بقره: ۱۷۸) و شهادت «نصف بودن ارزش شهادت زن نسبت به مرد.» (بقره: ۲۸۲) این موارد آیاتی هستند که شائبه تبعیض جنسیتی از آن‌ها به مشام می‌رسد. در این نوشتار برآنیم تا با مقایسه نظام حقوقی ایران و مصر به شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو نظام حقوقی در ارتباط با ارزش شهادت زنان بپردازیم چرا که زمانی که نظام‌های حقوقی مورد مقایسه متعلق به یک خانواده بزرگ باشند، مانند مطالعه نظام حقوقی ایران و مصر که هر دو به نظام حقوقی اسلام تعلق دارند. یافتن تفاوت‌ها جالب است، زیرا مشابهت بین مقررات آن دو که مبنای مشترکی دارند، امری طبیعی است. کشور ایران و مصر دو کشور اسلامی هستند. در تعریف کشورهای اسلامی باید گفت: «کشورهای اسلامی نامی است که امروز به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که مذهب آنها اسلام و یا اکثریت سکنه آن مسلمان می‌باشد و به همین لحاظ می‌توان آن را با مفهوم دارالاسلام، متقارب شمرد. امروز کشورهای اسلامی دارای مفهومی خاص از جهان اسلام هستند، زیرا جهان اسلام به کلیه سرزمین‌هایی گفته می‌شود که تعداد قابل توجهی از مسلمانان به صورت بومی در آن زندگی می‌کنند. کشورهای اسلامی در حقیقت نام متناسب با جغرافیایی سیاسی است در حالی که جهان اسلام مفهوم جغرافیایی عقیدتی را در بر می‌گیرد. در برخی از کشورهای اسلامی، اسلام به عنوان دین رسمی در قانون اساسی به صراحت ذکر شده ولی دین رسمی مانند مذهب شناسنامه‌ای، نمی‌تواند تأثیری در نوع رژیم داشته باشد. در قانون اساسی عده‌ای از کشورهای اسلامی، اسلام به عنوان منبع حقوقی به صراحت ذکر شده و قوانین اسلامی یکی از منابع حقوق تلقی شده ولی تنها در برخی از این کشورها، اسلام به عنوان تنها منبع حقوقی ذکر شده که آن هم در عمل جز در محدوده اندک به اجرا در نیامده است، مانند مصر که اسلام به

عنوان منبع برای حقوق کشور به رسمیت شناخته شده بود و با اضافه شدن حرف الف و لام بر کلمه مصدر در بازنگری قانون اساسی به تنها منبع تغییر یافت. تنها جمهوری اسلامی ایران است که طبق اصل چهارم قانون اساسی آن باید کلیه قوانین حاکم در کشور منطبق با موازین اسلام باشد و شورای نگهبان ضامن اجرای آن می‌باشد.» (زنجان، ۱۳۸۴، ۲۳۵-۲۳۴) توضیح این نکته لازم است که مشابهت و اختلاف در واقع دوروی یک سکه هستند، زیرا نبود اختلاف نشان دهنده مشابهت و نبود مشابهت نشان دهنده اختلاف است. بر این اساس عواملی که سبب ایجاد مشابهت بین نظام حقوقی می‌شوند در صورت فقدان موجب اختلاف خواهد شد. (شیرودی، ۱۳۹۴، ۱۰۷) مشابهت یا تفاوت در مذهب ممکن است سبب مشابهت یا تفاوت در برخی از قوانین و مقررات کشورها شود. در برخی از کشورها با این که حکومت به صورت غیر مذهبی اداره می‌شود ولی برخی مقررات آن کشورها تحت تاثیر مذهب شکل گرفته است. مشابهت در مذهب نیز خود عامل یکسانی در مفاهیم حقوقی و قوانین است. در این نوشتار موضوع شهادت زنان در دو کشور ایران و مصر با داشتن مذهب مشترک که طبق تصریح قانون اساسی دو کشور، اسلام به عنوان منبع اصلی و ریشه‌ای حقوق در آن‌ها به رسمیت شناخته شده مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی

شهادت را از نظر لغوی به معنی خبر قاطع (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۲۲۳) و حضور و معاینه (القیومی، ۱۴۲۵ ق، ۳۲۴) و به معنی اخبار از روی علم و یقین (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۴۶۵) گفته‌اند و صاحب جواهر در تعریف اصطلاحی شهادت گفته است: «خبری که به طور جزم و یقین درباره حق دیگری از طرف شخصی غیر از حاکم بیان شود و مرجع تشخیص آن از سایر اخبار که شهادت نمی‌باشد عرف است.» (نجفی، ۱۹۸۱، ۷) در تعریف دیگر آمده است: «شهادت شرعا عبارت است از خبر دادن از یک حقی (جانی یا مالی، حق الله یا حق الناس) به طور جزم و یقین از طرف شخصی غیر از حاکم» (علامه حلی، ۳۸۳، ۱۳۷۱) اگر چه شهادت در قوانین ایران تعرف نشده است، اما حقوق دانان به تعریف شهادت پرداخته‌اند. در تعریفی از شهادت چنین آمده است: «در اصطلاح اخبار از وقوع امور محسوس به یکی از حواس است در غیر مورد اخبار به حقی به ضرر خود به نفع غیر (زیرا در آن صورت اقرار است نه شهادت).» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ۳۹۷) در تعریفی دیگر آمده است: «شهادت عبارت است از بیان اطلاعاتی که شخص به طور مستقیم از واقعه‌ای دارد.» (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۳۵۸) در این نوشتار مراد از شهادت معنای اصطلاحی آن است.

از نظر لغوی، ادله و دلایل هر دو جمع مکسر در زبان تازی می‌باشند که مفرد اولی دلیل و مفرد دومی، دلالت است. البته ادله و دلایل هریک در معنای دیگری نیز بکار می‌روند. قانون ایران نیز ادله و دلایل را در معنای یکدیگر بکار برده است؛ یعنی برای عنوان جلد سوم قانون مدنی، ادله اثبات دعوی انتخاب شده ولی در ماده ۱۲۵۸ در مقام احصاء آن ادله و هم‌چنین در فصل دهم قانون آیین دادرسی مدنی عبارت دلایل آمده است. مطالعه نشان می‌دهد که معنی حقوقی از معنای لغوی دور نیفتاده است.

اثبات نیز در لغت به معنای پیش فرستادن است. ثبت (بروزن نمک) بوده که خود به معنای «حجت» و «بینه» است. بنابراین اثبات به معنای تقدیم حجت و بنیه می‌باشد. احقاق نیز به همین معنا است. اما در اصطلاح، اثبات عبارت از «اقامه دلیل در برابر محکمه به کیفیت تعیین شده، توسط قانون بر وجود یک واقعه قانونی که آثاری بر او مرتب است»، می‌باشد. (دیانی، ۱۳۸۷، ۳-۴)

تعریف دلیل در امور حقوقی: در امور مدنی، دلیل وسیله‌ای است در جهت فصل خصومت بین اصحاب دعوی و تامین منافع خصوصی آنان. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۲۸) در آئین دادرسی کیفری تعریفی از دلیل به عمل نیامده است ولی تعریف موجود در آئین دادرسی مدنی برای دلایل در امور کیفری نیز کارائی دارد با این تفاوت که در امور کیفری مسئله دلیل از ظرافت و دقت بیشتری برخوردار است. زیرا باجان و آزادی افراد سروکار دارد و این دو مهم تر از مال - که موضوع اکثر دعاوی مدنی است - می‌باشند. (دیانی، ۱۳۸۷، ۵) (تدین، ۱۳۸۸، ۳-۳۳۲) قانونی ایران بویژه قوانین کیفری در یک جمع‌بندی کلی، ادله را برحسب منشا به چهار دسته مهم تقسیم کرده‌اند:

۱. مشاهدات و دریافت دادرس: معاینه محلی، امارات قضایی و علم قضایی ۲. اسناد کتبی: اسناد رسمی و اسناد عادی ۳. اعلان طرفین: اقرار، سوگند و قسامه ۴. اعلان شخص ثالث: شهادت، نظر کارشناس، گواهی و تحقیق محلی بنابراین می‌توان دلیل را در امور کیفری به «تمام وسایلی که برای اثبات یا نفی یک امر موضوعی یا برای اثبات صحت و یا بطلان یک فرض مطروحه به کار می‌آید، تعریف نمود.» (تدین، ۱۳۸۸، ۳-۳۳۲)

تقسیم دلیل بر مبنای قدرت اثباتی: الف) دلیلی که قدرت اثباتی مطلق دارد و می‌تواند همه اعمال حقوقی و وقایع حقوقی با هر میزان ارزشی را ثابت نماید. در حقوق مصر تنها سند است که چنین اعتباری دارد: «از جمله ادله که دارای قدرت اثباتی مطلق به نحو مذکور باشد، به غیر از سند (کتابت) دلیل دیگری نیافتیم.» (السنهوری، ۱۹۵۲: ۲، ۱۰۳، ۶۵) در حقوق ایران نیز «اسناد و تا حدود زیادی اقرار از قدرت اثباتی مطلق برخوردار می‌باشند.» (عمروانی، ۱۳۹۰: ۹)

ب: ادله‌ای که قدرت اثباتی آن‌ها محدود است، مانند شهادت که در حقوق مصر ارزش اثباتی محدودی داشته و در آن کشور از شهادت معمولاً برای اثبات وقایع حقوقی استفاده می‌شود، اما اعمال حقوقی و علی‌الخصوص قراردادهای چنانچه ارزش آن‌ها از مبلغ معینی تجاوز نماید، قابل اثبات با شهادت نیستند. در حقوق ایران، قدرت اثباتی سوگند محدود به دعاوی حق الناسی (اعم از مالی و غیر مالی) می‌باشد و همچنین شهادت منضم به سوگند نیز تنها توانایی اثبات دعاوی مالی را دارا می‌باشد. (ماده ۲۷۷ و بند ب ۲۳۰ ق.آ.د.م) البته باید توجه داشت در حقوق ایران نیز دلایلی همچون شهادت، کارشناسی، اماره قضایی، معاینه محل و تحقیق محلی را نمی‌توان دلیل مطلق به معنای دقیق کلمه دانست و بلکه دلایل مذکور را باید در زمره دلایل دارای توان و قدرت اثباتی محدود دانست. (عمروانی، ۱۳۹۰، ۱۰)

۲- مهم‌ترین دلیل فقها در ارتباط با ارزش شهادت زنان

مهم‌ترین دلیل فقهاء در باب ارزش شهادت زنان کتاب خدا می‌باشد. در قرآن کریم در چهار مورد وصیت (مائده: ۱۰)، طلاق (طلاق: ۲)، زنا (نساء: ۱۵) و (نور: ۴ و ۱۳) و دین (بقره: ۲۸۲) از شهادت سخن به میان آمده که یک مورد آن از شهادت زن و میزان ارزش آن صحبت شده است و آن طولانی‌ترین آیه قرآن؛ یعنی آیه ۲۸۲ از سوره بقره است که پس از بیان این که در مورد دین و طلب شخصی از دیگری خوب است موضوع مکتوب و نوشته شود و شهادی بر آن گرفته شود، می‌فرماید: «...وَأَسْتَشْهَدُوا شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضْلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى...» (بقره: ۲۸۲). در این آیه ابتدا از حضور دو شاهد مرد سخن رفته و اشاره شده در صورت نبودن دومرد یک مرد و دو زن به عنوان شاهد در نظر گرفته شوند، حکمت آن هم به این صورت بیان شده که اگر یکی از دو زن شاهد، موضوع را فراموش کرد و از یاد برد دیگری یادآوری نماید و موضوع را به خاطر او بیاورد. مفسرین در توجیه این آیه نظریات مختلفی را ارائه نموده اند از جمله: ابن عربی در «احکام القرآن» (ابن عربی، ۱۴۲۴، ج ۱، ۳۳۷)، مغنیه در الکاشف (مغنیه، ۹۸۱، ۴۴۲)، رشید رضا در تفسیر «المنار» (رشید رضا، ۱۹۹۰، ۱۰۳)، طبرسی در «مجمع البیان» (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ۲۰۴)، زحیلی در تفسیر «المنیر» (زحیلی، ۱۴۱۱، ۱، ۳۶۷) و حسینی شیرازی در تفسیر «تقریب القرآن» (حسینی شیرازی، ۱۴۰۰، ۳). یکی از حقوق دانان مصری معتقد است: «زن شاهد نسبت به مرد شاهد دارای امتیازی است و آن این است که همراه خودش کسی را می‌آورد تا آنچه از قضایا فراموش کرده به یادش بیاورد و این امر از هردو پذیرفته می‌شود.» (عوا، ۱۳۸۵، ۲۵۲)

۳. نظام حقوقی ایران

نظام حقوقی ایران قبل از سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م) براساس قوانین مدون برپایه موازین اسلامی (شیعه) است و نظام حقوقی غرب از نظر قوانین مدنی، بازرگانی، قضایی، سرمایه‌گذاری به استخدام و کار، دریایی، انرژی مالکیت فکری و حقوق بین‌المللی خصوصی، مالیات، گمرک و غیره قرار گرفته بود. قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۰۷، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ (۱۹۲۹، ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶) که در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۲) اصلاح گردیده است، تلفیقی از فقه اسلامی و مجموعه قوانین ناپلئون است و حقوق تجارت شرکت‌ها ۱۳۱۱، ۱۳۴۷ (۱۹۶۹ و ۱۹۳۳) کاملاً ریشه در قوانین حقوق فرانسه دارد. در قیاس با حقوق انگلیس در اتکا بر استدلال و بها دادن به آرا دانشمندان حقوق و وسعت دامنه تفریع، سنخیت بیشتری با آثار حقوقی ایران و تا اندازه‌ای تألیف‌های فقهی ما در حوزه فقه المعاملات دارد. اگرچه در بسیاری زمینه‌ها، به ویژه فلسفه حقوق منابع احکام و منطق استنباط کاملاً از فقه و به تبع آن از حقوق ایران متمایز است. نگاهی به تاریخ حقوق نوین ایران گواه این حقیقت است که از میان قوانین کشورهای خارجی، قوانین فرانسه، بیشترین تاثیر را بر قوانین موضوعه ایران به ویژه از قسمت‌های تجارت و جزا داشته است، با این حال حضور قدرتمندانه اندیشه‌های فقه امامیه، حتی پیش از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی مانع استحاله شدن حقوق ایران در فرایند این اثرپذیری گردید. رنه داوید استاد فرانسوی حقوق تطبیقی می‌نویسد: «ایران با قانون اساسی به شیوه فرانسوی در وضعی قابل مقایسه با مصر، سوریه و عراق است.» (رنه، ۱۳۶۹، ۷۱)

اولین قانون اساسی در ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ ه.ق (۲۹ دسامبر ۱۹۰۶) تصویب گردید. این قانون در ۱۳۲۵ ه.ق (۷ اکتبر ۱۹۰۷) با اضافه کردن مقرراتی به آن در رابطه با حقوق ملت ایران، حقوق سلطنت، نیروهای مسلح، سه قوه حاکم و شوراهای استانی تکمیل شد. بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) پیش نویس قانون اساسی در ۱۴ ژوئن ۱۹۷۹ به تصویب رسید و متعاقباً توسط مجلس خبرگان بازنگری شده و در ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ (۳۰ و ۳۱ مارس ۱۹۷۹) با اکثریت ۹۸/۲ درصد در همه پرسی ملی مورد تصویب قرار گرفت به‌طور کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی که دارای ۱۷۷ اصل است و مشخص گردید که کل سیستم حقوقی باید براساس اسلام باشد. اصل ۴ قانون اساسی به کلیه قوانین و مقررات در زمینه مدنی، کیفری مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره باید براساس اصول اسلامی قرار گرفته باشد. این اصل به

طور کلی در مورد تمام مواد قانون اساسی و کلیه قوانین و مقررات دیگر اعمال می‌گردد و فقهای شورای نگهبان در این مورد تصمیم می‌گیرند.

همان‌گونه که در بالا مشاهده کردیم قوانین غیرمذهبی مانند قوانین بازرگانی، بین‌المللی کار، دریایی و انرژی اکنون دارای اعتبار است. زیرا آن‌ها بر خلاف موازین اسلامی نمی‌باشد. قوانین مدون فعلی از حقوق مردم به منظور گسترش و اجرای عدالت حمایت می‌نماید. (مواد ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۳۴، ۳۶، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی) به علاوه «حکم دادگاه باید مقوم و مستند به مواد قانونی باشد. اگر قاضی نتوانست به علت فقدان ماده قانونی مربوطه تصمیم گیرد می‌تواند به فتاوی معتبر فقها که شامل رسوم نیز می‌باشد مراجعه کند و این امر به ندرت روی می‌دهد.» (عرفانی، ۱۳۸۹، ۳۱-۳۰)

۴. نظام حقوقی مصر

بخش اعظم نظام فعلی قانون‌گذار مصر از غرب الهام پذیرفته است. مصر در اواخر قرن نوزدهم به تقلید از تمدن‌های غربی پرداخت با این همه گذر از نظام سنتی اسلامی بر نظام جدید، صورت نگرفته است. متعاقب اقدامات ناپلئون بناپارت در دوره حکومت محمدعلی پاشا گرایش‌های اصلاح طلبانه بروز کرد و طی نیمه اول قرن بیستم گام‌های تعیین‌کننده‌ای برداشته شد، اما همه این اقدامات با احترام به سنت‌های دیر پای اسلامی همراه بود. قانون اساسی ۱۸۶۶ نخستین قانون اساسی مصر در دوران معاصر به شمار می‌رود، اما این قانون اساسی پاسخ‌گو شرایطی نبود که یک نظام حکومتی مشروطه منقضی آن است.

در تاریخ ۷ فوریه ۱۸۳۲ اسماعیل خدیو قانون اساسی جدیدی تصویب شد و با پذیرش کلیه اصول قوانین اساسی کشورهای مشروطه اروپایی مصر را دارای یک نظام واقعا آزاد نمود قوه قانون‌گذاری به مجلس منتخب واگذار شد که قوه مجریه در برابر آن باید پاسخگوی اعمال خود باشد اما این قانون اساسی حیاتی گذرا داشت. یک سال بعد از اشغال مصر به وسیله انگلستان بنایی را که در برد باری بر پاشد بود، فروپاشید. اما القای قانون اساسی به منظور بازگشت به نظام مطلقه نبود، قانون اساسی ۱۸۸۳ که در دوران اشغال انگلستان به تصویب رسید. ظاهر مشروطه را حفظ کرد. دو مجلس نمایندگان ایجاد شد اما هیچ‌کدام از آنها جز در امور مالیاتی و حق وضع قانون نداشتند. هنگامی که در سال ۱۹۱۳ باز هم زمان اشغال انگلستان قانون اساسی جدیدی جایگزین ۱۸۸۳ گردید؛ یک مجلس منتخب باید وظایف محوله به مجالس قبلی را ایفا می‌کرد. این امر تنها بدعت قانون اساسی ۱۹۱۳ بود که به زودی با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۴۱ و

اعلام تحت الحمایتی مصر از سوی انگلستان اجرای آن متوقف شد. دیگر مجالس نمایندگانی وجود نداشت و هیات وزرا همراه با سلطان کلیه اختیارات را به دست گرفتند. از سال ۱۹۲۳ هنگامی که به دنبال بر پایی نهضت ملی، انگلستان ناگزیر گردید، استقلال مصر و لغو تحت الحمایتی را اعلام کند، دورانی جدید در این کشور آغاز شد. از این تاریخ مصر تبدیل به یک نظام سلطنتی مشروطه و صاحب قانون اساسی شد که از مترقی‌ترین قوانین اساسی اروپایی اقتباس گشته بود و آن قانون اساسی ۱۹ آوریل ۱۹۲۳ است قدرت میان شاه و وزرای که شاه از طریق آنها حکومت می‌کرد و پارلمانی مرکب از مجلس سنا و نمایندگان تقسیم شد. قانون اساسی اعلام کرد که قدرت ناشی از ملت است و مسولیت وزراء، را دربرار نمایندگان مجلس رسماً مقرر داشت. قانون اساسی ۱۹۲۳ تا شروع انقلاب ملی ۱۹۵۲ بر مصر حاکم بود. انقلاب ۱۹۵۲ بلا فاصله به فرار شاه انجامید و اجرای قانون اساسی ۱۹۲۳ متوقف شد. منشور مصوب ۱۰ فوریه ۱۹۵۳ به طور موقت جایگزین قانون اساسی گردید. شورای انقلاب کلیه اختیارات را به دست گرفت و در ۱۸ ژوئن ۱۹۵۳ پایان عصر سلطنت و تولد نظام جمهوری را در مصر اعلام داشت. مصر که برای نخستین بار در طول تاریخ طولانی خود دارای حکومت جمهوری می‌شد، سر انجام دارای قانون اساسی جدیدی شد؛ یعنی قانون اساسی ۲۳ ژانویه ۱۹۵۶ به موجب قانون اساسی مزبور، رئیس جمهوری که از طرف ملت انتخاب می‌شد وظایف نخست وزیر را نیز انجام می‌داد. بدین گونه قانون اساسی جدید گرایش را به پیروی از نظام ریاست جمهوری نشان داد. نوعی نظام حکومتی که از سوی بسیاری از دولت‌های زمان ما برگزید شده است، اما در عین حال قانون اساسی جدید با اعلام مسئولیت فردی وزرا در برابر مجلس ملی منتخب مردم: اساس نظام پارلمانی را حفظ کرد. سرانجام قانون اساسی جدید بر خلاف قوانین اساسی مدرن به اعلام حقوق شهروند اکتفا نکرده و تکالیف آنان را نیز برشمرد. حکومت جدید بدین ترتیب با گرایش‌های سوسیالیستی حاکم بر مصر همگام شد. اجرای این قانون اساسی از اول فوریه ۱۹۵۸ متوقف شده در این تاریخ جمهوری مصر با جمهوری سوریه ادغام گردید و دو کشور یک دولت جدید به نام جمهوری متحد عرب تشکیل دارند. حکومت جدیدی قانون اساسی موقت داشت که در ۵ مارس ۱۹۵۸ تصویب شد. این قانون اساسی از اصول حاکم بر قانون اساسی ۱۹۵۶ متأثر بود و اصول اساسی آن را اخذ کرده بود. در سال ۱۹۶۲ (۲۷ سپتامبر) به دنبال جدائی مصر و سوریه یک اعلامیه اساسی موقتاً سازماندهی سیاسی قوای حکومت را تعیین کرد. متعاقب آن قانون اساسی ۱۹۶۴ وضع شد که از ۲۵ مارس ۱۹۶۴ تا کنون در حال اجراست مجلس ملی که بر آرای عمومی گذارده خواهد شد.

منابع حقوق اسلامی عبارتند از: ۱) قرآن مجید (اساسی‌ترین منبع). ۲) سنت. ۳) اجتهاد (فتوا). ۴) عرف (عادت). ۵) استحسان (مصلحت). به دلیل این که دادگاه‌های اسلامی در مسائل و مشکلات حقوقی عملاً از صلاحیت رسیدگی برخوردار نیستند، لذا سیستم حقوقی مصر تنها اجازه داده است که این دادگاه‌ها در خصوص مسائل مربوط به احوال شخصیه مسلمانان عمل کنند. دادگاه‌های شریعت و دادگاه‌های عرفی جوامع اسلامی، منشا پیدایش دادگاه‌های ملی شدند. دادگاه‌های شریعت در نهایت در سال ۱۹۵۶ در آنها ادغام شدند که زمینه این ادغام از سال ۱۸۸۰ شروع شده بود. در سال ۱۸۸۰ قانونی برای دادگاه‌های شریعت وضع و منتشر گردید که نحوه نصب، وظایف و امور انضباطی قضاوت و دیگر کارمندان و سازماندهی دادگاه‌ها را معین می‌کرد و صلاحیت دادگاه‌های شریعت را محدود به موارد احوال شخصیه و قتل می‌نمود. قتل در قانون محاکم شریعت، براساس فقه حنفی که مذهب رسمی مصر است، رسیدگی می‌شود. ریشه این امر را باید در موجودیت تاریخی مصر که بخشی از امپراتوری عثمانی بود، جست و جو کرد. این که بخشی از حقوق، منحصرأ بر مذهب حنفی حل و فصل می‌شد، آغازی بود بر «مدرنیزه کردن قانونگذاری در مورد احوال شخصیه»، که در همین قرن به وقوع پیوست. روش انطباق شریعت با شرایط جدید، این بود که نظریات فقه حنفی، بر اساس قواعد حقوقی غربی تنظیم شود. فقهای حنفی، شهادت بانوان در اموال و در حقوق غیر مالی به غیر از حدود و قصاص پذیرفته اند و در تمام این موارد شهادت زنان به ضمیمه شهادت مردان قابل قبول است.^۱ (کاسانی، ۱۴۰۶، ج ۶: ۲۷۹-۲۸۰)

قانون شریعت نقش مهمی در مصر ایفا می‌کند. مجموعه قوانین مدنی مصر که توسط عبدالرزاق السنهوری تدوین شد، نتیجه تلاش‌های بود که اصول حقوق اسلامی را با برخی قوانین جدید اروپایی ترکیب کرد تا مجموعه قوانینی فراهم آید که هم جدید و هم باتوجه به شرایط خاص و سوابق ویژه مردم مصر کاربرد داشته باشد. تاثیر اصول حقوقی فرانسه و ساختار دادگاه‌های فرانسه، کاملاً آشکار است. ساختار دادگاه‌ها برگرفته از دادگاه‌های فرانسه است. سیستم قضایی مصر عمدتاً براساس مفاهیم و متدهای حقوقی فرانسه قرار دارد. مجموعه قوانین حقوقی، از کد ناپلئونی گرفته شده است. «دادگاه‌های ملی» جهت جلوگیری از آشفتگی‌های قضایی که در سراسر قرن نوزدهم وجود داشت تاسیس شدند. در دوره اصلاحات سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۳ آشفتگی‌های قضایی عبارت بود از:

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک (مرغینانی، ۱۳۱۵: ج ۶: ۶۶) (غنیمی، ۱۴۰۰، ج ۴: ۵۶) و (ابن عابدین، ۱۳۹۹: ج ۵: ۴۹۵) (بابرتی، ۱۳۱۵: ج ۶: ۶) (ابن همام، بی تا: ج ۶: ۷)

- ۱) دادگاه‌های شریعت که دادگاه‌هایی با صلاحیت عام و نسبی بودند و شریعت اسلامی را اعمال می‌کردند و مجهز به کادری از قضات فارغ التحصیل در علوم دینی بودند.
- ۲) وجود مجالسی با مراتب، که در آن «دادگاه‌های حکام» تشکیل و مجری مقررات حکومت بودند. این ترتیبی بود که برای قرون متمادی در کشورهای اسلامی وجود داشت و چنین مجالسی، صلاحیت مشابه با محاکم شریعت داشتند.
- ۳) «دادگاه‌های ملت» که عبارت بودند از شوراهای مذاهب مختلف غیر اسلامی، که قوانین احوال شخصی [مذهب] خودشان را برای افراد جامعه خود، اعمال می‌کردند. این روال نیز سال‌های متمادی در کشورهای اسلامی وجود داشت.
- ۴) به موجب کاپیتولاسیون، امتیاز صلاحیت قضایی نسبت به اتباع هر کشور خارجی به کنسولگری آن کشور داده شد. از این رو، در مصر، صلاحیت قضایی کنسولی وجود داشت، مانند دادگاه‌های مختلط.
- ۵) دادگاه‌های بازرگانان در قاهره و اسکندریه، که از الگوی ترکیه عثمانی در این زمینه اقتباس شده بود، دستیارانی [مشاوران] با تابعیت‌های مختلف داشت. (ظفری و اصغری، ۱۳۷۴-۳۵۹-۳۵۸)

۵. مقایسه جایگاه ادله دعوا در حقوق ایران و مصر

در حقوق مصر، سند (کتابت) دارای قدرت اثباتی مطلق و در حقوق ایران نیز اسناد و تا حدود زیادی اقرار از قدرت اثباتی مطلق برخوردار می‌باشند. در حقوق مصر شهادت ارزش اثباتی محدودی دارد در حقوق ایران نیز شهادت را نمی‌توان دلیل مطلق به معنای دقیق کلمه دانست.

۵-۱ دایره اعتبار شهادت در ایران

در کتاب «اثبات و دلیل اثبات» در ارتباط با قلمرو اعتبار و پذیرش شهادت آمده است: «پیش از اصلاح قانون مدنی در سال ۶۱ و ۷۰، نظام حاکم بر اثبات کتابت بود نه شهادت: بدین معنی، که در اعمال حقوقی، شهادت سهم بسیار اندکی در اثبات دعاوی داشت. میزان اعتبار شهادت چندان ناچیز بود (۵۰۰ ریال) که کسی رغبت طرح دعوا را پیدا نمی‌کرد. قانون ثبت نیز اثبات پاره ای از قراردادهای را بطور مطلق مشروط به تنظیم سند رسمی کرده بود: نقل و انتقالات املاک ثبت شده، هبه و صلح و شرکت تنها با سند رسمی قابل اثبات بود. (مواد ۴۶ تا ۴۸. ق. ث) در دو اصطلاح سال ۶۱ و ۷۰ قانون مدنی از آن افراط مزاحم به تفریطی شتابزده افتاد: مواد ۱۳۰۷، ۱۳۰۶، ۱۳۰۸، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱ و ۱۳۱۳ مکرر که قلمرو و اعتبار شهادت را محدود

می‌ساخت حذف شد، بی‌آنکه جانشینی بیابد، و نظام حقوقی را همچون متن قانون اساسی دچار پیسی و گسستگی کرد و انسجام و یکنواختی را از این میراث فرهنگی گرفت. در واقع شوق بازگشت به فقه و اسلامی کردن نظام حقوقی قانونگذار ما را از دقت و رعایت فنون قانون نویسی بازداشت. از میان مواد مربوط به حدود اعتبار شهادت تنها ماده ۱۳۰۹ باقی ماند تا شهادت نتواند اعتبار اسناد رسمی و معتبر شناخته در دادگاه را از بین ببرد. ولی، شورای نگهبان در اقدامی تهور آمیز و فراتراز صلاحیت خود، اعلام کرد که: «ماده ۱۳۰۹ قانون مدنی، از این نظر که شهادت بینة شرعیه را در برابر اسناد معتبر فاقد ارزش دانسته، خلاف موازین شرع و بدین وسیله ابطال می‌گردد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۵۵-۵۳) با این توضیح مشخص می‌شود که «حداکثر اعتباری را که می‌توان برای شهادت به عنوان یک دلیل تصور کرد، در قانون ما برای شهادت در نظر گرفته شده است و این نشان از اهمیت بسیار شهادت به عنوان دلیل اثبات دارد.» (کریمی، ۱۳۸۸، ۸۴-۸۳)

۴-۲ دایره اعتبار شهادت در مصر

در حقوق این کشور، نظام حاکم بر اثبات را با هر دلیل دیگری از جمله شهادت می‌توان اثبات نمود و شهادت ارزش محدودی دارد. در واقع، نه تنها دعوا با ارزش محدودی می‌تواند با شهادت اثبات گردد، در همان قلمرو محدود نیز توان مخالفت با سند را ندارد. بنابراین قبل از بررسی موارد قابل اثبات به مطالعه مواردی می‌پردازیم که قابل اثبات با شهادت نیستند به موجب ماده ۶۰ قانون ادله اثبات مصر «در امور غیر تجاری، اگر ارزش موضوع دعوا بیش از ۵۰۰ جنیه باشد، شهادت شهود پذیرفته نمی‌شود...» بند ۱ ماده ۶۱ قانون مزبور نیز مقرر می‌دارد: «خلاف مندرجات سند را با شهادت شهود نمی‌توان ثابت نمود؛ هرچند که ارزش آن بیش از ۵۰۰ جنیه نباشد...»

با توجه به ماده مذکور قاعده‌ای به این صورت حاصل می‌شود که "شهادت در مسائل تجاری پذیرفته می‌شود و در مسایل غیر تجاری و تصرفات قانونی، پذیرش شهادت به عنوان ادله اثبات محدود به حد نصاب مقرر می‌باشد". البته شهادت در مسائل تجاری به طور مطلق پذیرفته نمی‌شود بلکه استثنائاتی بر آن وارد شده است. از جمله آن بیع کشتی و عقود شرکت‌ها^۱ ... در

^۱ "فقد نصت المادتان ۴۰-۵۲ من القانون التجاري على ان عقود شركات المساهمة والتضامن والتوصية يجب ان تكون بالكتابة. ونصت المادة ۳-۳ من القانون التجاري البحري على ان بيع السفينة كلها او بعضها يلزم ان يكون بسند رسمي." (نشات بک، ۲۲۴، ۱۹۵۵)

ایران نیز انتقال سهام شرکتها با مسئولیت محدود^۱ بر اساس قانون تجارت و نیز معاملات راجع به کشتی‌ها بر اساس قانون دریایی باید به موجب سند رسمی باشد^۲.

هم‌چنین تصرفات قانونی در مواردی بیش از ۵۰۰ جنبه نباشد با شهادت قابل اثبات می‌باشد. تصرفات قانونی (مدنی) می‌تواند به صورت عقد (بیع و اجاره و معاوضه و...) و یا به صورت ایقاع (ابراء و وصیت و اجازه ...) باشد. مبنا در تعیین قیمت تصرفات، زمان صدور عقد (انعقاد عقد آن) است و قاضی خود به تقویم قیمت می‌پردازد و در این امر می‌تواند از اهل خبره هم کمک بگیرد. قیمت تصرفات، اگر بعد از زمان عقد کمتر یا بیشتر شود ملاک عمل قرار نمی‌گیرد اما زمانی که فوائد و ملحقات به اصل حق اضافه شود (مانند پرداخت اقساطی دین) در این فرض قیمت ملحقات نیز معتبر می‌باشد.

ماده ۱۳۱۱ ق.م.مصوب ۱۳۱۴^۳ ایران که در اصلاحات تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۸ حذف گردید چنین مقرر می‌داشت: «قیمت پانصد ریال در زمان عقد یا ایقاع و یا تعهد مناط است نه موقع مطالبه، ولی نسبت به آنچه که قبل از اجرای قانون واقع شده است مناط، قیمت روز مطالبه است. هرگاه دعوا مشتمل بر مطالبات متعددی باشد که هر یک از مصادر متفاوتی به وجود آمده باشند قیمت هریک از مطالبات معتبر است ولو مجموع قیمت مطالبات از حد نصاب بیشتر باشد. منتها هنگام اداء قسمتی از یک طلب، قیمت کل طلب ملاک است^۴. ماده ۱۳۰۶ ق.م.ایران که در اصلاحات تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۸ حذف گردید. مفهوم نزدیکی با آنچه که در ماده ۶۰ قانون مصر بیان

^۱ ماده ۱۰۳ ق.ت: انتقال سهم شرکت (شرکت با مسئولیت محدود) به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی
^۲ ماده ۱ آئین نامه ثبت انتقالات و معاملات کشتی‌ها: ثبت کلیه انتقالات و معاملات و اقاله پیراجع به کشتی‌ها اعم از عین یا منفعت، اجباری است و منحصر به وسیله دفاتر اسناد رسمی که طبق مقررات این آئین نامه از طرف اداره کل ثبت اسناد و املاک اجازتی مخصوص خواهد داشت انجام می‌شود.

^۳ ماده ۱۳۰۶ ق.م: "جز در مواردی که قانون استثناء کرده است هیچ یک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عینا یا قیمتا بیش از پانصد ریال باشد نمی‌توان فقط به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد. ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند.

^۴ ماده ۶۰ ق.م: "فی غیر المواد التجاریه اذا کان التصرف القانوني تزید قیمته علی خمسائه جنبه او کان غیر محدد القیمه، فلا یجوز شهاده الشهود فی اثبات وجوده او انقضائه ما لم یوجد اتفاق او نص یقتضی بغير ذلك و یقدر الالتزام باعتبار قیمته وقت صدور التصرف و یجوز الاثبات بشهاده اذا کانت زیاده التزام علی خمسائه جنبه لم تات الا من ضم الفوائد و الملحقات الی الاصل. اذا اشتملت الدعوی علی طلبات متعدد ناشئه عن مصادر متعدد جاز الاثبات بشهاده الشهود فی کل طلب لم تزید قیمته علی مائتی جنبه و لو کانت هذه الطلبات فی مجموعها تزید علی هذه القیمه و تكون فی الوفاء اذا کانت جزئیا بقیمه الالتزام الاصلی"

^۵ ماده ۱۳۰۶ ق.م: "جز در مواردی که قانون استثناء کرده است هیچ یک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عینا یا قیمتا بیش از پانصد ریال باشد نمی‌توان فقط به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد. ولی این حکم مانع از این نیست که محاکم برای مزید اطلاع و کشف حقیقت به اظهارات شهود رسیدگی کنند.

فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری
شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۹
۱۷۸

شد، داشت. بی‌شک این تشابه ریشه در منبع واحدی (قانون مدنی فرانسه) دارد که در تدوین قانون لحاظ گردیده بود.

۶. نصاب و جنس شهود در قوانین ایران

قانون مدنی در خصوص تعداد شهود حکمی ندارد و در حقوق فرانسه نیز در آن خصوص ذکری به عمل نیامده است. بنابراین، از نظر قانون مدنی، شهادت یک شاهد نیز می‌تواند به عنوان دلیل قاطع، مد نظر قرار گیرد.» ولی شهادت همیشه نقش مهمی را در دعاوی کیفری ایفا نموده و یکی از مهم‌ترین دلایل دانسته شده است. بدیهی است شاهد باید فقط به دیده هایش اکتفا کند و عاری از هرگونه اظهار عقیده شخصی یا قضاوت ارزشی نسبت به بدی اعمال مشهود یا در خصوص مسئولیت عاملان آن باشد. اساساً در اثبات دعاوی کیفری شهادت، ملکه دلایل شناخته شده و اهمیت بخصوصی دارد. (دیانی، ۲۰۳، ۱۳۸۷-۲۰۲) قانون اسلام به دلایلی شهادت زنان را در برخی موارد نپذیرفته و ارزش شهادت زن و مرد را متفاوت دانسته است. این در حالی است که نه در حقوق فرانسه و نه در قانون مدنی در این خصوص حکمی وجود ندارد. مواردی که شهادت زنان پذیرفته نشده عمدتاً موارد اثبات عقود و حدود است که بنا به نص منتسب به حضرت علی (ع) ممنوع دانسته شده است. قانون آئین دادرسی مدنی با الهام از فقه اسلام، هم تعداد شهود را معین نموده و هم جنسیت آنها را ماده ۲۳۰ این قانون مقرر داشته: «در دعاوی مدنی (حقوقی) تعداد و جنسیت گواه همچنان ترکیب گواهان با سوگند به ترتیب ذیل می‌باشد: الف: اصل طلاق و اقسام آن و رجوع در طلاق و نیز دعاوی غیر مالی از قبیل مسلمان بودن، بلوغ، تعدیل، عفو از قصاص، وکالت، وصیت با گواهی دو مرد.

ب: در دعوی مالی یا آنچه مقصود از آن مال می‌باشد، از قبیل دین، ثمن بیع، معاملات، وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غصب جنایات خطایی و شبه عمد که موجب دیه است، با گواهی دو مرد یا یک مرد چنانچه برای خواهان امکان اقامه بینه شرعی نباشد، می‌تواند با معرفی یک گواه مرد یا دو زن به ضمیمه یک سوگند، ادعای خود را اثبات کند، در موارد مذکور در این بند ابتدا گواه واجد شرایط شهادت می‌دهد، سپس سوگند توسط خواهان ادا می‌شود.

ج- دعاوی که اطلاع بر آنها معمولاً در اختیار زنان است، از قبیل ولادت، رضاع، بکارت، عیوب درونی زنان با گواهی چهار زن، دو مرد یا یک مرد و دو زن.

د- اصل نکاح با گواهی دو مرد و یا یک مرد و دو زن. در قانون مجازات اسلامی نیز، جنسیت به‌عنوان شرط شهادت ذکر نشده است؛ چنان‌که ماده ۱۷۷ ق.م.ا بیان می‌دارد: شاهد شرعی در

زمان ادای شهادت باید شرایط زیر را دارا باشد: الف) بلوغ، ب) عقل، پ) ایمان، ت) عدالت، دو دو زن. شاهد شرعی در زمان ادای شهادت باید شرایط زیر را دارا باشد: الف) بلوغ، ب) عقل، پ) ایمان، ت) عدالت، ث) طهارت مولد، ج) ذی نفع نبودن در موضوع، چ) نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آن‌ها، ح) عدم اشتغال به تکدی، خ) ولگرد نبودن.^۱ اما در ماده ۱۹۹ ق.م.بیان می‌دارد: «نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد مرد است؛ مگر در زنا، لواط، تفخیذ و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد. برای اثبات زنا، موجب حد جلد، تراشیدن و یا تبعید، شهادت دو مرد و چهار زن عادل نیز کافی است. زمانی که مجازات غیر از موارد مذکور است، حداقل شهادت سه مرد و دو زن عادل لازم است. در این مورد هرگاه دو مرد و چهار زن عادل به آن شهادت دهند، تنها حد شلاق، ثابت می‌شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است. در حقیقت قانون‌گذار در این ماده در پذیرش شهادت زن به‌عنوان ادله اثبات جرم قائل به تفصیل شده است؛ چنانچه در صدر ماده در برخی حدود، مثل زنا، لواط، تفخیذ و مساحقه، شهادت زن را نپذیرفته و اصل را بر مرد بودن شاهد گذاشته است، و در ذیل ماده، ضمن پذیرش شهادت زن، جنسیت را مبنای تفاوت در تعداد شهود قرار داده است. که این نیز به پیروی از قول مشهور امامیه است که جنسیت را در مواردی مبنای اعتبار شهادت دانسته‌اند. دیدگاه فقهای امامیه در خصوص ارزش شهادت زنان این است که در هر دعوی مالی که موضوع آن مال باشد یا این که مقصود از آن مال باشد، شهادت زنان به صورت دو زن در مقابل یک مرد پذیرفته می‌شود، و در این میان فی‌الجمله بین فقها اختلافی وجود ندارد و برخی از فقها به عدم اختلاف تصریح کرده‌اند که عبارتند از: ابن ادریس (۵۴۳-۵۹۸) در کتاب السرائر^۱ و سبزواری (متوفی ۱۰۹۰) در کفایه الاحکام الاسلامیه^۲ و طباطبایی (متوفی ۱۲۳۱) در ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل^۳ و حتی برخی دیگر از فقها مثل ابن زهره (۵۱۱-۵۸۵) در کتاب غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع^۴ و علامه حلی (۷۲۶-۶۴۸) در مختلف الشیعه فی الاحکام الشریعه^۵ ادعای اجماع بر پذیرش شهادت زنان را در دین عنوان نموده‌اند، اما در میان

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به (ابن ادریس، ج ۲، ۱۴۱۰: ص ۱۳۸)

۲. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به (سبزواری: بی تا: ۲۸۵)

۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به (طباطبایی، بی تا: ۴۴۴)

۴. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به (ابن زهره، بی تا: ۴۳۹)

۵. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به (علامه حلی، بی تا: ۴۹۳)

فقه‌های معاصر برخی قائل به تساوی ارزش شهادت زنان و مردان در حقوق مالی هستند، از جمله صانعی (۱۳۱۶ ش)^۱.

۷. نصاب و جنس شهود در قوانین مصر

قانون اثبات، در رابطه با تعدد و جنسیت شهود سکوت کرده است اما فقها و حقوق دانان مصر در گذشته نحوه اداء شهادت افراد را برشش دسته تقسیم‌بندی کرده بودند: اول: شهادت چهار مرد در اموری چون زنا، دوم: شهادت دو مرد، در همه امور به غیر از زنا. سوم: شهادت یک مرد با دو زن، فقط در امور مالی چون نکاح، عتق، دماء و جراحات و در وکالت بر مال اختلاف است. ابوحنیفه آن را در نکاح و طلاق و عتق جایز می‌دانند و ظاهری‌ها آن را مطلقا جایز می‌دانند. چهارم: شهادت دو زن (بدن همراهی شهادت مرد) در اموری که اطلاع مردان غالبا غیر ممکن است همانند: بارداری، ولادت، استهال، بکارت، عیوب زنان. پنجم: شهادت یک مرد با سوگند در امور مالی، ششم: شهادت دو زن با سوگند. در اموال (العمروسی، ۱۹۶۶، ۷۵۳) سنهوری با قدیمی خواندن رعایت نصاب و جنسیت شهود می‌گوید در قوانین جدید به این امور توجهی نمی‌شود بلکه ملاک اقتناع قاضی است.

امروزه در حقوق مصر، برای شهود حد نصاب مشخصی وجود ندارد، قاضی می‌تواند با یک شهادت قانع شود و آن را بر چند شهادت دیگر ترجیح دهد، از این رو دیوان کشور مصر گفته است عدد شهود ملاک نیست بلکه مهم اطمینان دادگاه است. (حسنی، ۱۹۸۸، ۴۵۷) همین طور است جنسیت و سن شهود. (لازم به ذکر است از آنجایی که در قوانین مصر شهود باید قبل از شهادت قسم یاد کنند، لذا شهادت افرادی که سنشان به هنگام ادای شهادت از چهارده تجاوز نموده است، سوگند یاد نکرده و تنها شهادتشان به عنوان استدلال شنیده می‌شود. (ماده ۱۹۹ مرافعات)) چه بسا شهادت یک بچه قاضی را قانع سازد، لکن شهادت یک مرد بالغ چنین اقتناعی را به دنبال نداشته باشد و لذا بدان توجه نگردد و چه بسا وجدان قاضی امکان دارد با شهادت یک زن اقتناع گردد، اما با شهادت چند مرد امر مورد ادعا، بر او مشتبه باشد و اقتناعی حاصل نشود. (سنهوری، ۱۹۵۲، ۲، ۳۲۲) یکی از حقوق دانان نیز ضمن بیان اقوال و نظرات فقیهان اهل سنت، معتقد است: «که شهادت بایستی منجر به اقناع قاضی شود (عوده، بی تا، ۲، ۴۳۰). آنچه در حقوق امروز مهم است، حصول اطمینان و یقین قاضی از امانتداری و صدق گفتار شهود می‌باشد. بنابراین نه تنها در مسائل جزایی، بلکه در امور مدنی و تجاری نیازی به تعدد و

^۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به (صانعی، ۱۳۹۳: ۸۸).

صدق گفتار شهود می‌باشد. بنابراین نه تنها در مسائل جزائی، بلکه در امور مدنی و تجاری نیازی به تعدد و جنسیت و سن خاصی برای شهود دیده نمی‌شود». (سنه‌وری، ۱۹۵۲، ۳۲۲)

نتیجه‌گیری

تا قبل از اصلاحات سال ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ تشابه نزدیکی در دایره اعتبار شهادت میان دو کشور ایران و مصر وجود داشت که بی شک این تشابه ریشه در منبع واحدی (قانون مدنی فرانسه) داشت که در تدوین قانون لحاظ گردیده بود. قانون‌گذار ایران پس از اصلاحات سال‌های مذکور به سمت حقوق اسلامی و فقه امامیه گرایش پیدا کرده است به نحوی که حداکثر اعتباری را که می‌توان برای شهادت به عنوان یک دلیل تصور کرد در قانون کشور ما برای شهادت در نظر گرفته شده است به نحوی که اثبات تمامی دعاوی از طریق امکان پذیر می‌باشد. البته دادگاه‌ها بر خلاف نظر شورای نگهبان (مبنی بر حذف ماده ۱۳۰۹ ق.م) عمل نموده و بر خلاف مفاد و مندرجات سند رسمی، شهادت شهود را نمی‌پذیرند. در مقابل حقوق کشور مصر که تلفیقی از حقوق فرانسه و فقه حنفی است با تعیین حد نصاب (۵۰۰ جنیه مصری) استناد به شهادت را محدود به موارد معین نموده است و سعی در تضییق محدوده اثباتی شهادت داشته است. قانون‌گذار مصر موارد محدودی را که در قانون اثبات احصاء کرده است قابل اثبات با شهادت شهود می‌داند همچون مغایر نظم عمومی بودن قراردادهای و اثبات از بین رفتن سند (اعم از اسناد عادی و رسمی) توسط قوه قهریه. در حقوق موضوعه ایران، به تبعیت از فقه امامیه در مواردی شهادت زنان اصلاً پذیرفته نشده و در موارد پذیرفته شده ارزش برابری با شهادت مردان ندارد. در حالی که در حقوق مصر، عدد شهود ملاک نیست بلکه مهم اطمینان دادگاه است. آنچه در حقوق مصر مهم است، حصول اطمینان و یقین قاضی از امانتداری و صدق گفتار شهود می‌باشد.

منابع

- قرآن.
- ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ ه.ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن زهره، حمزه بن علی بن زهره الحسینی الاسحاقی الحلبی، (بی تا). غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، ج ۱ محقق: الشیخ ابراهیم البهادری، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع) المطبوعه: الاعتماد.
- ابن عابدین، محمد امین. (۱۳۹۹). ردالمحتار علی الدرالمختار، بیروت: دار الفکر.

- ابن العربی، ابوبکر بن العربی المالکی. (۱۴۲۴ق). احکام القرآن، محقق: محمد عبد القادر عطا، چ سوم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور الافریقی المصری. (۱۴۰۸ق). لسان العرب، ج ۷، بیروت: دار احیا التراث العربی .
- ابن همام، کمال الدین محمد بن عبدالواحد سیواسی. (بی تا). شرح فتح القدیر. بیروت: دار الفکر.
- امین، سیدحسن. رابرت رون. (۱۳۷۴). سیستم‌های حقوقی کشورهای اسلامی، ترجمه محمدرضا ظفری و فخرالدین اصغری، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- بابر تی، اکمل الدین محمد بن محمود. (۱۳۱۵). شرح العنایه علی الهدایه در حاشیه شرح فتح القدیر. بیروت: دار صادر.
- تدین، عباس. (۱۳۸۸). تحصیل دلیل در آئین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۷)، ترمینولوژی حقوق، ج نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- (۱۳۶۳). دایره المعارف علوم اسلامی قضائی، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حسینی، محمود نحیب، (۱۹۸۸). شرح قانون الاجراءات الخبائیه، القاہرہ: دارالنهفته العربیہ الطبعة الثانیہ.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۰۰ق). تقریب القرآن الی الازہان، بیروت: موسسه الوفاء.
- دیانی، عبدالرسول. (۱۳۸۷). ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، با مقدمه ایرج گلدوزیان، چاپ سوم، تهران: انتشارات تدریس.
- رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفه القلمونی الحسینی. (۱۹۹۰ م.). تفسیر المنار، ناشر: الهئیة المصریہ العامہ لکتاب. ج ۳.
- رنه، داوید، (۱۳۶۹) نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفائی، محمد آشوری، عزت الله عراقی، چاپ دوم، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل، (۱۴۱۲ق) المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق-بیروت: دار العلم، الدار الشامیہ، ج ۱

- زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱ق). التفسیر المنیر، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- سبزواری، محمدباقر بن محمد مومن، (بی تا). کفایه الاحکام الاسلامیه، مرکز نشر اصفهان، بازار مدرسه صدر- مهدوی.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، (۲۰۰۹-۱۹۵۱). الوسیط فی شرع القانون المدنی الجدید اثبات و آثار التزام، جلد دوم، چاپ سوم. منشورات الحلبي الحقوقیه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۴). حقوق تطبیقی، چ چهاردهم، تهران: انتشارات سمت.
- (۱۳۸۵). ادله اثبات دعوا، چاپ سوم، تهران: انتشارات تدریس.
- عارفی، محمود. (۱۳۸۹). حقوق تطبیقی در نظام‌های حقوقی معاصر، چاپ نهم، تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
- عمروانی، رحمان، (۱۳۹۰). تعارض ادله اثبات دعوا (در امور حقوقی)، تهران: انتشارات فکرسازان، چ اول.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۴). قانون اساسی تطبیقی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی، چ اول، انتشارات میزان.
- علامه حلی، الحسین بن یوسف بن مطهر، (بی تا). مختلف الشیعہ فی احکام الشریعہ، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، چ اول.
- عوا، محمد سلیم. (۱۳۸۵). درامدی بر اصول نظام کیفری اسلام، ترجمه: حمید روستای صدر آبادی، ناشر: سلسبیل.
- غنیمی، عبدالغنی دمشقی الميدانی الحنفی. (۱۴۰۰). اللباب فی شرح الكتاب، بیروت: المكتب العلمیه.
- صناعی، فخرالدین، بررسی فقهی شهادت زن در اسلام، انتشارات میثم تمار، چ نهم ۱۳۹۳.
- طباطبائی، سیدعلی، (بی تا). ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم: موسسه آل البيت چاپ، سنگی.
- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۹۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد بیستونی، انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸). اثبات و دلیل اثبات، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم.
- (۱۳۹۱). مقدمه علم و حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ج هشتاد و سه، شرکت سهامی.

فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری
شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۹
۱۸۴

- کاسانی حنفی، علا الدین ابوبکر بن مسعود. (۱۴۰۶). بدائع الصنایع فی ترتیب الشرایع. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کریمی، عباس، (۱۳۸۸) ادله اثبات دعوا، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- گلدوزیان-ایرج. (۱۳۹۳). ادله اثبات دعوا (دعاوی کیفری و حقوقی) علمی و کاربردی، چاپ پنجم، نشر میزان.
- المقرئ الفیومی، احمد بن محمد بن علی، (۱۴۲۵ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ج ۱، من موسسه داره الحجره، ایران، قم، چ دوم.
- العمروسی، انور، (۱۹۶۶). اصول المرافعات الشرعیه فی مسائل احوال شخصیه، چاپ سوم، شرکت الاسکندریه.
- مرغینانی، برهان الدین علی بن ابی بکر. (۵۱۳۱۵ه). الهدایه لشرح بدایه المبتدی فی الفقه علی مذهب ابوحنیفه. بیروت: دار صاد.
- المقرئ الفیومی، (۱۴۲۵ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ج ۱، قم: من موسسه داره الهجره. چ دوم.
- محمود نحیب، (۱۹۸۸). شرح قانون الاجراءات الخبائیه، القاہره، دارالنہفته العربیہ الطبعه الثانيه.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۹۸۱م). التفسیر الکاشف، جلد سوم، بیروت: دارالملايين.
- نجفی، شیخ محمد حسن. (۱۹۸۱م). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تحقیق: محمود قوچانی، ج هفتم، داراحیاء التراث العربی.